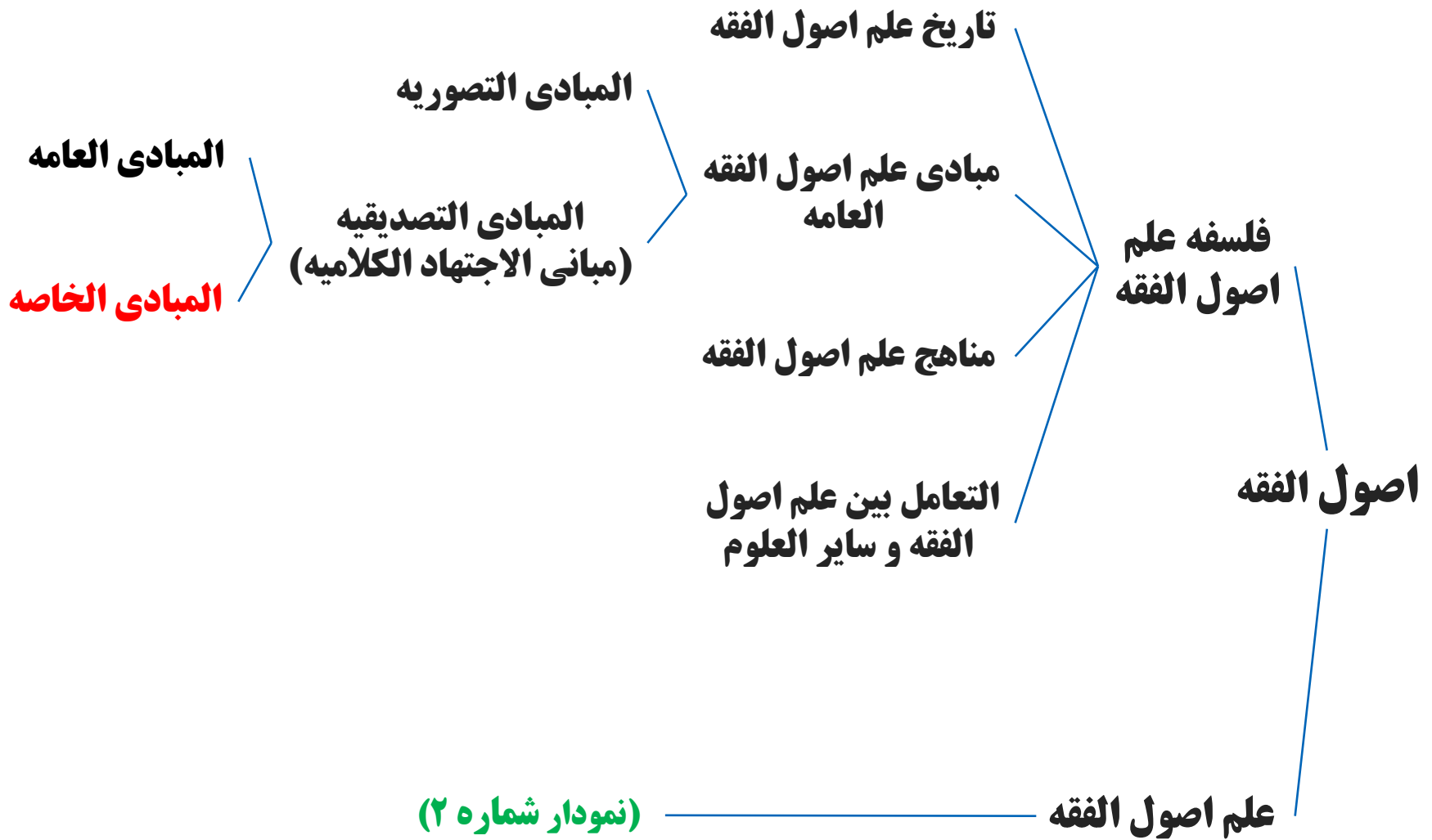


علم أصول الفقه

٢١ ٩٠-٨-٢٨ مبادئ مختص تصديقي

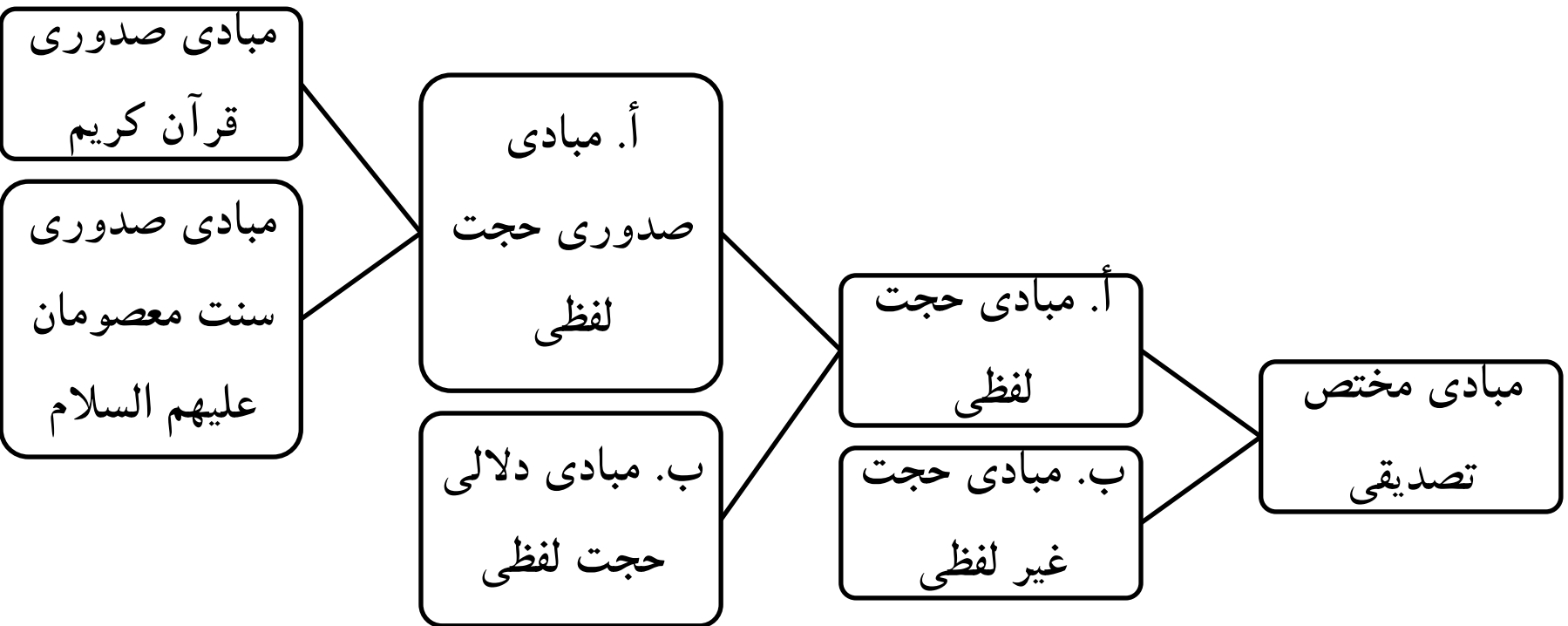
دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)

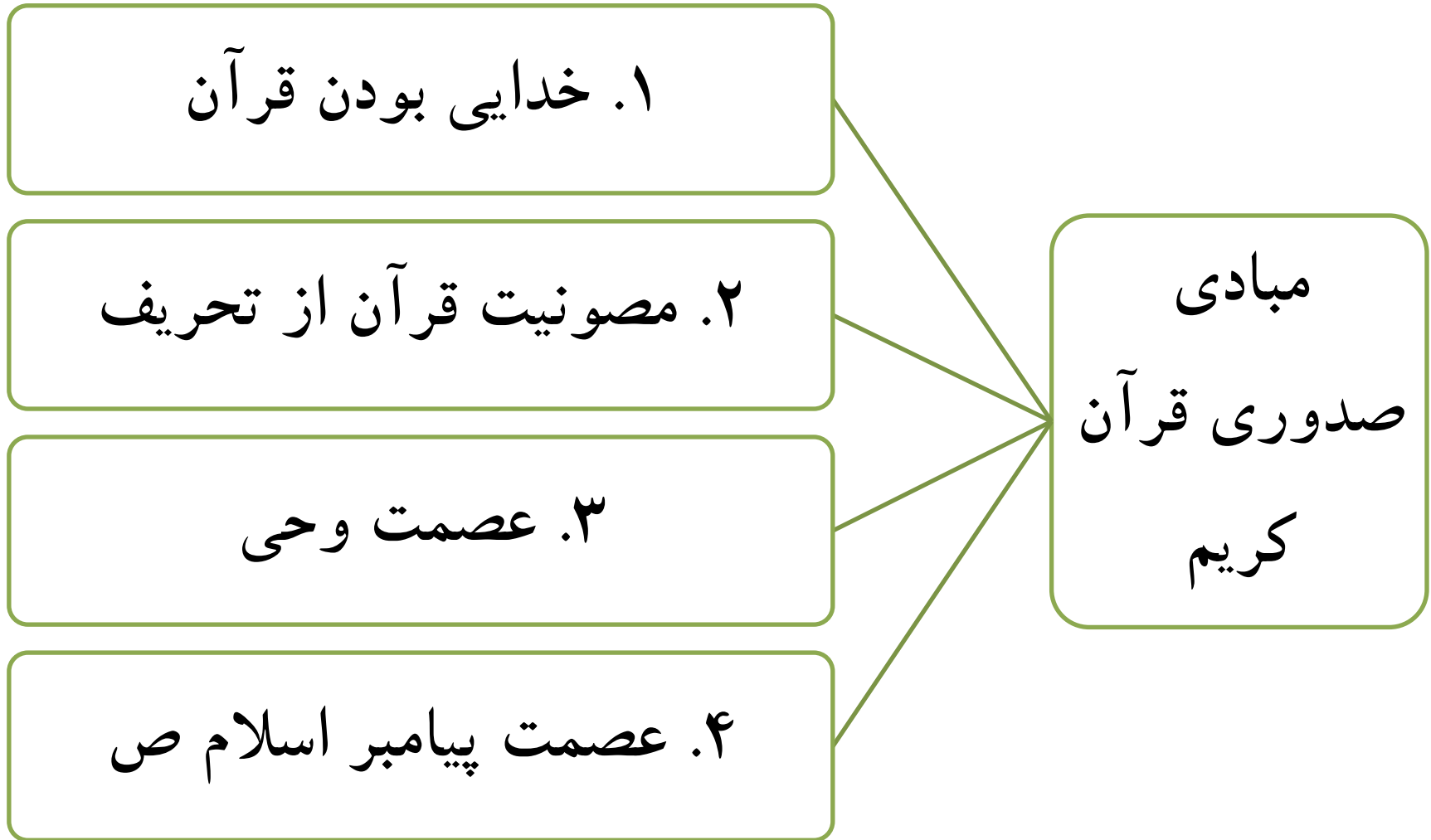


(نمودار شماره ۲)

علم اصول الفقه



مبای صدوری قرآن کریم



نزول قرآن از سوی خداوند

۱. مفاد و محتوای قرآن

۲. مفردات قرآنی (الفاظ و تک تک کلمات)

۳. ترکیب الفاظ (عبارات قرآن)

۴. آیات و سور

۵. مجموعه‌ای که قرآن می‌نامیم

سطوح
و حیاتی بودن
قرآن

دلایل و حیانی بودن الفاظ قرآن

أ. کلمات حضرت رسول ص

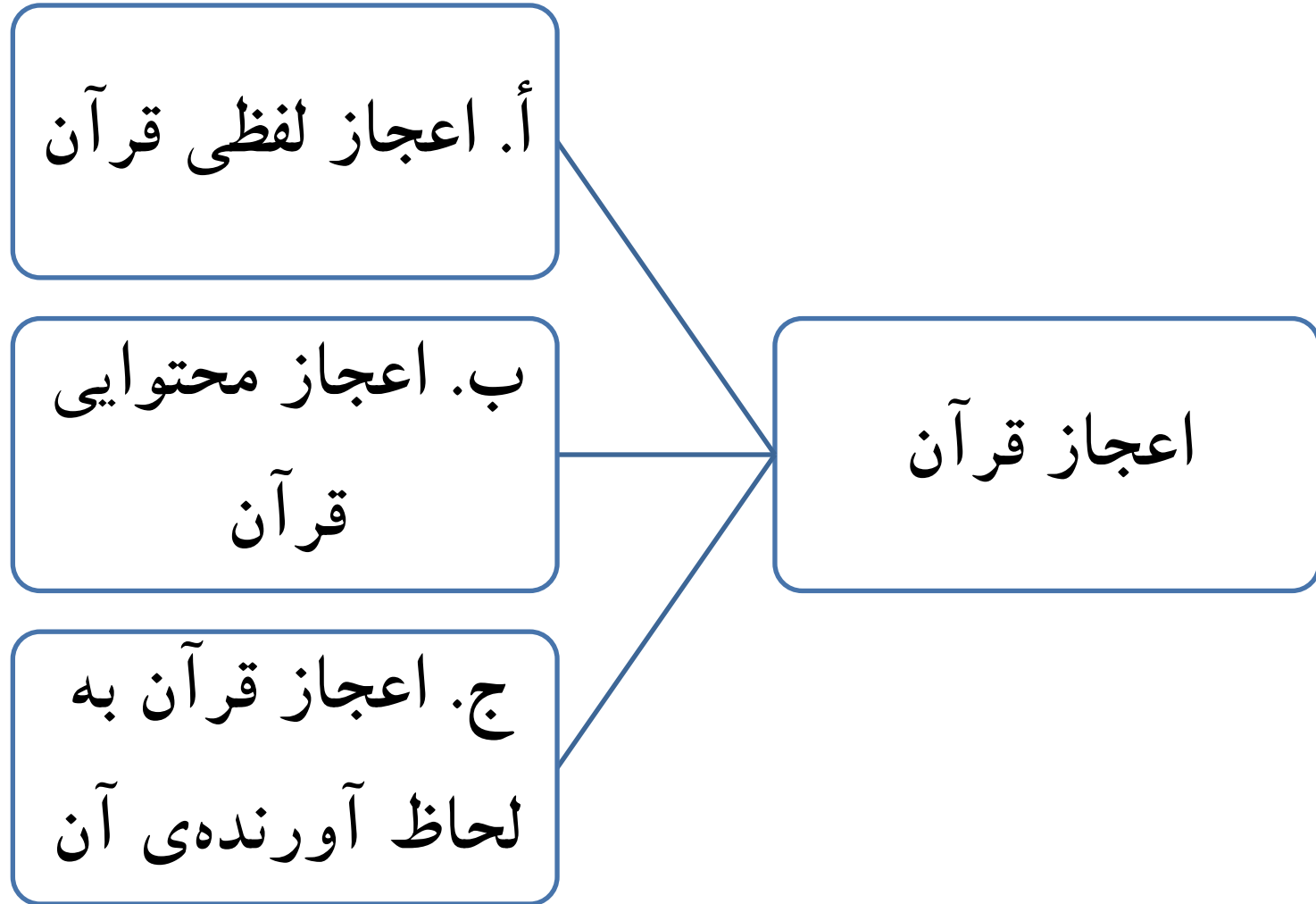
ب. آیات قرآن

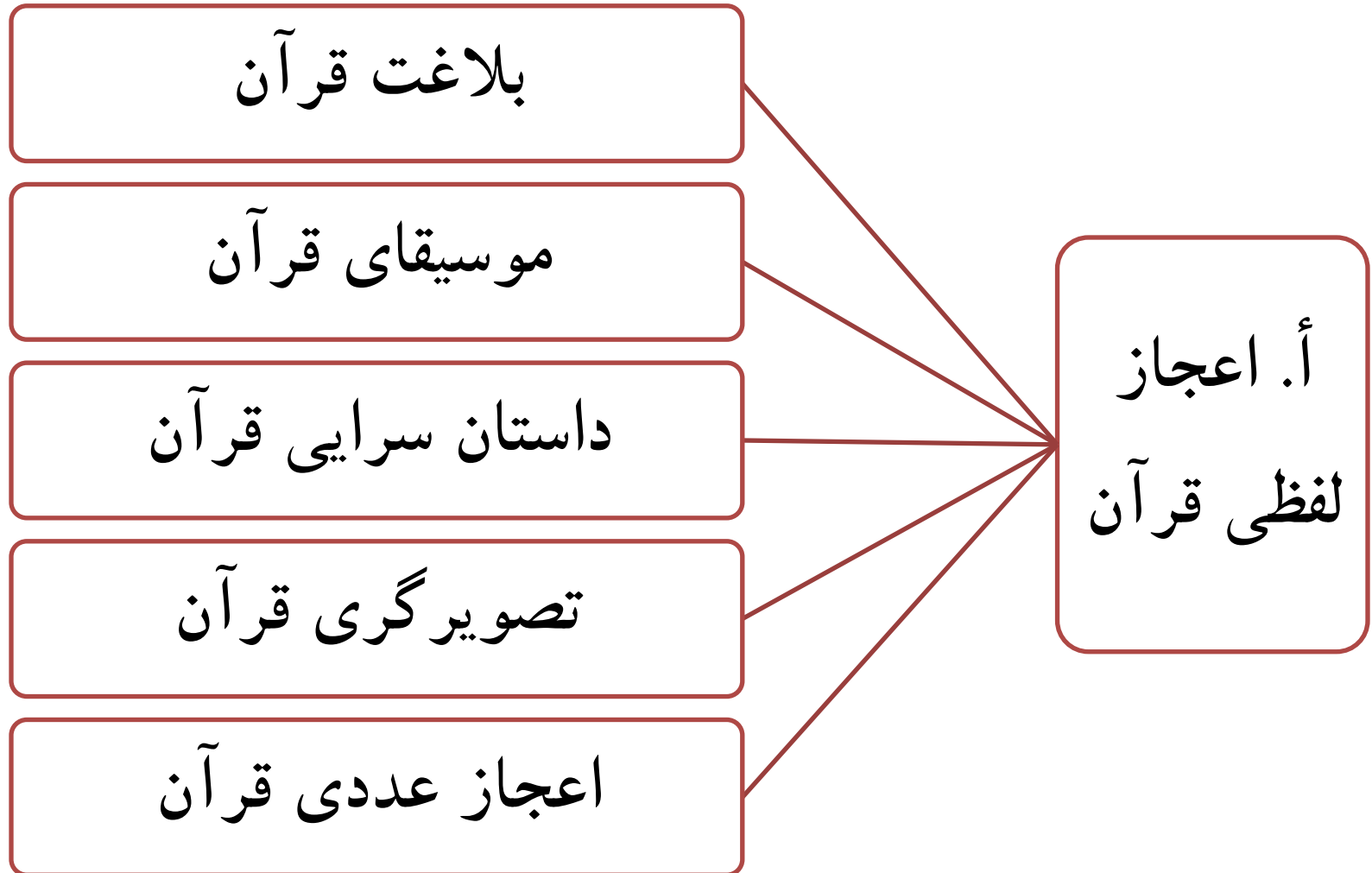
ج. اعجاز قرآن

اثبات و حیانی بودن
الفاظ قرآن

اعجاز قرآن

- آنچه در بحث اعجاز قرآن مورد نظر است، بیان خصوصیات است که اقتضا می‌کند مبدایی غیر عادی، فوق بشری و یک قدرت خاص الهی، منشأ پیدایش قرآن باشد.
- به عبارت دیگر طرح معجزه بودن قرآن همانند تمامی معجزات الهی، اثبات فوق بشری بودن آن است. وقتی می‌گوییم قرآن معجزه است، یعنی منشایی الهی دارد.

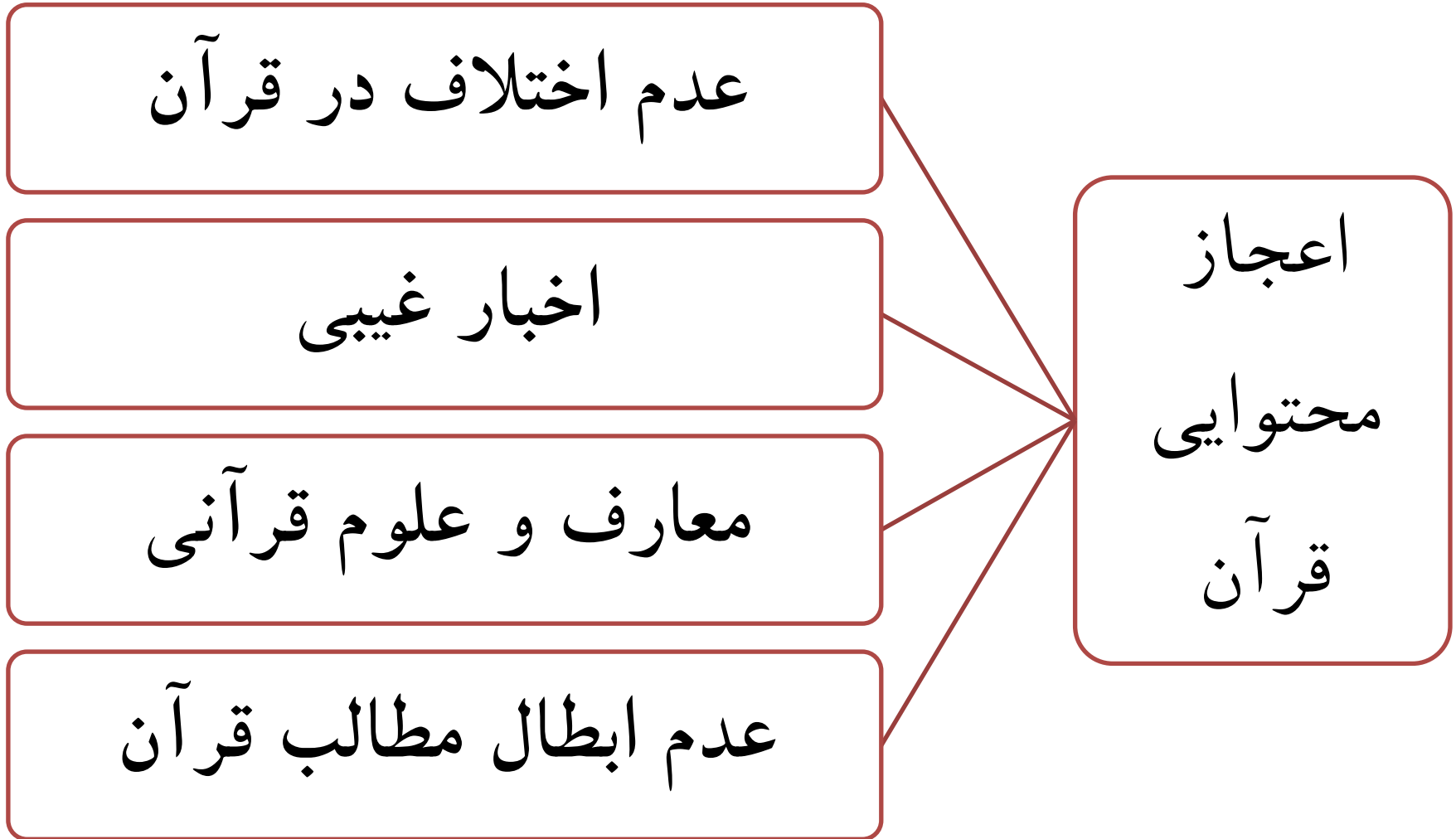




ب. اعجاز محتوایی قرآن

- این بُعد از اعجاز قرآن مربوط به اطلاعات، محتوا و مفادی است که در قرآن آمده است. اعجاز محتوایی قرآن نیز از ابعاد مختلفی قابل طرح است:

ب. اعجاز محتوایی قرآن



ب. اعجاز محتوایی قرآن

- - عدم اختلاف در قرآن:
- قرآن در مورد موضوعات و مطالب مختلفی سخن گفته است و آیات قرآن با این تنوع مطالب در طول بیست و سه سال به تدریج و پراکنده نازل شده و سپس به صورت یک مجموعه کنار هم گرد آمده و قرآن را تشکیل داده است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- به تعبیر خود قرآن، اگر این قرآن از غیر خدا بود، با توجه به تنوع اطلاعات و گستردگی زمان نزول، تناقضات و تفاوت‌هایی در مطالب آن یافت می‌شد.

• النساء : ۱۲ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- چرا که اطلاعات یک انسان عادی در طول بیست و سه سال دچار دگرگونی و تغییر می‌شود و دیدگاه‌های او دائماً در حال تغییر و تحول است.
- یک انسان عادی زمانی به چیزی اعتقاد پیدا می‌کند و زمان دیگر متوجه بطلان اعتقاد خویش می‌گردد و امر دیگری را جایگزین اعتقاد قبلی می‌کند و چه بسا در زمان دیگر باز به مطلب تازه‌تری دست می‌یابد و متوجه نادرستی تمام یا بخشی از مطالب گذشته‌ی خویش می‌شود.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- و همه-ی اینها غیر از مواردی است که انسان گرفتار سهو و خطا می‌شود. بسیار اتفاق می‌افتد که بر اثر بی‌توجهی و از روی سهو، مطلبی می‌نویسد که با آنچه در ذهن دارد و مقصود او است، متفاوت می‌باشد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- به عبارت دیگر یک انسان عادی هم در حالت سهو و خطا و هم غیر آن (آنجا که با توجه و عمد به مطلبی می‌پردازد)، دائماً سخنان و مطالب گوناگونی را در زمان‌های مختلف بیان می‌کند که برخی از آنها نقیض برخی دیگر و باطل کننده‌ی آن است. حال اگر قرآن، مبدئی غیر الهی می‌داشت و همانند کتب متعارف بشری می‌بود، اختلاف نظر نویسندگان، اشتباهات او و عدم توجهش به ارتباط مسایل با یکدیگر در ناسازگاری مطالب با هم تأثیر بسزایی داشت و اختلافات کثیری در آن یافت می‌شد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- همان طور که نمونه‌هایی از آن در تألیفات بشری وجود دارد. چه بسا افرادی که چندان بر فقه تزلّج و تسلط ندارند و از روی احتمال و اشتباه اقدام به فتوی می‌نمایند و توجه نمی‌کنند که بعضی از فتاوایشان با هم ناسازگار است. علت این امر، عدم اطلاع آنها از ارتباط بین مسایل است. نمی‌دانند که اگر در یک مسأله معتقد به فتوای خاصی شدند، دیگر نمی‌توانند در مسأله‌ی دیگر، قایل به فتوای مخصوصی باشند. اما از آنجا که مطالب را جدا جدا بررسی می‌کنند و تسلط چندانی ندارند و ارتباطات را هم نمی‌دانند، دچار تناقض در فتوی می‌شوند.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- سئوالی که در اینجا به نظر می‌رسد این است که در مواردی از قرآن هم، حکمی، حکم دیگری را نسخ می‌کند. آیا نمی‌توان آنها را همچون تغییر فتوای مفتی دانست؟ به عبارت دیگر ادعای اختلاف مطالب قرآن چگونه با نسخ سازگار است؟

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- جواب این سؤال در بیان تفاوت بین فتاوی یک فقیه و موارد نسخ، واضح می‌شود وقتی فقیه به فتوای جدیدی در مسأله دست می‌یابد، می‌فهمد که فتوای قبلی او در این مسأله اشتباه بوده است. با تغییر فتوای او، واقعیت هیچ تغییری نمی‌کند. واقعیت همان گونه است که باید باشد. او فقط در دست-یابی به این واقعیت دچار خطا شده بود و حال به رأی درست (لا اقل در نظر خودش) دست یافته است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- این مطلب در هر علم دیگری نیز اتفاق می‌افتد. مثلاً یک فیزیکدان ممکن است بعد از مدتی تحقیق، به باطل بودن اندیشه‌ی خویش در مورد مسأله‌ای پی برد. او هرگز با طرح اندیشه و رأی جدید خویش، ادعای تغییر واقعیت را ندارد. در نظر او واقعیت خارجی تغییری نکرده است. آنچه دچار تغییر و دگرگونی شده است، کشف او از این واقعیت است. در قبل آنچه کشف کرده بود، نظری صائب و درست جلوه می‌نمود و الآن خطای خویش را در آن نظر مشاهده می‌کند و به چیز دیگری در تفسیر همان واقعیت معتقد است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- اما در نسخ مطلب این گونه نیست. در آنجا واقعاً حکم عوض می‌شود. در موارد نسخ، ناسخ حکم منسوخ را تمام شده اعلام می‌کند به طوری که تا قبل از ورود ناسخ، فقط حکم منسوخ جریان دارد و نه غیر آن و بعد از ورود ناسخ، این حکم ناسخ است که جریان می‌یابد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- بنابراین اگر پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به نماز به سوی بیت المقدس است، نماز رو به کعبه باطل است و آن هنگام که حکم نماز خواندن رو به کعبه، حکم قبلی را نسخ می‌کند، نماز رو به بیت المقدس باطل است. اینطور نیست که در زمان منسوخ فقط نماز رو به کعبه مطابق با واقع باشد و نماز رو به بیت المقدس مطابق با واقع نباشد! در آن هنگام که هنوز ناسخ نیامده، همچنان نمازی مطابق با واقع است که رو به سوی بیت المقدس دارد. بنابراین با وجود ناسخ‌ها و منسوخ‌ها در قرآن، هیچ گونه اختلافی در مطالب آن وجود ندارد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- سؤال دیگری که در اینجا مطرح است، مربوط به عدم اختلاف در اقوال معصومان علیهم السلام می باشد. اگر قرآن از این جهت معجزه است، ما عین همین جهت را در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می بینیم. پس این خصوصیت فقط مربوط به قرآن کریم نیست.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- در جواب باید بگوییم معصوم به دلیل عصمت علمی اش هر چه بگوید درست است و خلافی در آن نیست. اما این عصمت علمی از طریقی غیر عادی و طریقی غیر بشری برای آنها فراهم شده است که از آن به علم الهی یا علم لدنی تعبیر می‌نامیم.
- طرق معمول و متعارف بشری همواره در مظان خطا است؛ اما آن طریق چه از راه وحی باشد، آن گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله حاصل شد و چه از غیر وحی، آن گونه که برای امامان معصوم علیهم السلام فراهم بوده و هست، همگی مصون از خطا و اشتباه است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- همین جا لازم است یادآور شویم که به نظر می‌رسد اعجاز محتوایی قرآن به خلاف اعجاز لفظی آن فقط اثبات می‌کند که محتوای قرآن از یک منبع الهی سرچشمه گرفته و وحیانی است. البته این مطلبی است که در ادامه به مطالعه آن خواهیم پرداخت.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- اما این مطلب، یعنی الهی بودن، در مورد همه‌ی امور پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز صادق است و فقط اختصاص به قرآن به عنوان یک مورد از علم معصومان علیهم السلام ندارد.
- پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به تفسیر قرآن و مطالب و حقیقت آن علم داشتند؛ اما دیگر کلمات آنها نیز منشأیی و حیانی و الهی داشته است. در عین حال کلمات خود آنها از حیث لفظ با قرآن کاملاً متفاوت است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- مثلاً نهج البلاغه در بلاغت بسیار عجیب است، اما با قرآن فرق دارد. یکی از ویژگی‌های نهج البلاغه وجود کلمات مشکل در آن است که درک آن برای خود عرب زبانان و حتی عرب زبانان زمان خود حضرت علیه السلام نیز مشکل بوده است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- آوای نهج البلاغه و سجع آن کاملاً با قرآن متفاوت است. بسیاری از قاریان قرآن که قرآن را به انواع قرائت می‌توانند تلاوت کنند، قادر به تلاوت نهج البلاغه به همان کیفیت نیستند.
- این ویژگی لفظی خاص، مخصوص قرآن است و ائمه علیهم السلام و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله از این علم برخوردار نبودند.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- بنابراین وقتی سخن از اعجاز لفظی قرآن است، هیچ چیز با آن قابل مقایسه نیست. ولی وقتی سخن از اعجاز محتوایی قرآن به میان می‌آید، جنبه‌های گوناگون آن می‌تواند در کلمات دیگران نیز وجود داشته باشد. و همان گونه که اشاره می‌کنیم مراتبی از آنچه در مورد اعجاز محتوایی قرآن می‌گوییم، ممکن است حتی برای غیر معصوم نیز فراهم آید.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- - اخبار غیبی:
- قرآن از حوادثی خبر داده است که به صورت عادی، یک انسان با دانش و معرفت خود نمی‌توانسته از آنها اطلاعی داشته باشد. آیات اولیه‌ی سوره‌ی روم در مورد مغلوب شدن رومیان و پیروزی آنها بعد از شکست، از جمله‌ی این موارد است.
- **غُلِبَتِ الرُّومُ (۲) فِی اٰذْنِی الْاَرْضِ وَ هُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلْبِهِمْ سَیَغْلِبُوْنَ (۳) فِی بَضْعِ سِنِّیْنَ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ یَوْمَئِذٍ یُفْرِحُ الْمُؤْمِنُوْنَ (۴)**

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- البته گاه انسان در حد تخمین چیزهایی را در آینده پیش بینی می‌نماید که شاید با واقعیت هم تطبیق کند؛ مثل آنچه در هواشناسی انجام می‌گیرد؛ اما در همانجا نیز اولاً درصدی از خطا همیشه وجود دارد و ثانیاً زمینه‌ی پیش بینی مهیا است.
- یک هواشناس مثلاً می‌داند برای باران چه مقدماتی لازم است. با یافتن آن مقدمات، بارش باران را پیش‌بینی می‌کند. بنابراین مسلماً در جایی که زمینه‌ی پیش‌بینی فراهم نیست و مقدمات علم به یک مطلب آن قدر زیاد است که امر پیش‌بینی را غیر ممکن می‌سازد، بدون امداد امری الهی، اخبار میسر نخواهد بود.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- بدیهی است همان طور که اشاره کردیم، این بُعد از اعجاز محتوایی قرآن در مورد معصومان علیهم السلام نیز حاصل است. البته غیب و اطلاع از آن مراتبی دارد که برخی از این مراتب برای غیر معصومان علیهم السلام به معنای خاص کلمه نیز ممکن است. زیرا در واقع خبردهنده‌ی از غیب روزنه‌ای به جهان دیگر پیدا می‌کند و از اسرار و رموز آن مطلع می‌شود.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- خواب‌های صادق نیز از این گونه‌اند. در روایات ما رویاهای صادق به عنوان مرتبه‌ای از نبوت معرفی شده است. رویای صادق یا خواب، روزنه‌ای است به عالم دیگر و نشانه‌ای است از آن. بسیار اتفاق می‌افتد که شخص چیزی را در خواب می‌بیند که بعداً اتفاق می‌افتد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- تمام اینها با اختلاف مراتبشان، خارج از معارف و علوم متعارف بشری هستند. دانشگاهی که در آن علم غیب را به دانشجویان بیاموزند، وجود ندارد. هر انسانی به اندازه‌ی سعی و جودی خویش و ظرفیتی که دارد، با جهان دیگر مرتبط می‌شود و از غیب با خبر می‌گردد.
- لازم است تأکید کنیم که این علوم خارج از علوم متعارف بشری است، نه این که اصلاً بشری نباشد. آنها که از غیب باخبرند، خود بشرند. پس علوم آنها هم علمی است مربوط به بشر.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- - معارف و علوم قرآنی:
- در قرآن علوم، معارف و اطلاعات بسیاری مطرح شده است که برخی از آنها در آن زمان و با آن امکانات نه فقط برای شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در عربستان می‌زیسته و درس ناخوانده بوده؛ بلکه برای تحصیل کرده‌ترین و متفکرترین انسان‌ها نیز میسر نبوده است.
- و اگر بیانات قرآن و بعد از آن بیانات اهل بیت علیهم السلام نبود، شاید تا امروز نیز بشر اطلاعاتی در مورد برخی از این امور به دست نمی‌آورد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- توحید خداوند تبارک و تعالی از جمله‌ی این موارد است. درک توحید خالصی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام مطرح کرده‌اند، بسیار کار مشکلی است و آنچه از توحید در ذهن اکثریت وجود دارد، در واقع شرک است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- فهم این مطلب که خداوند در عین داشتن اوصاف مختلف، هیچ نوع ترکیبی و ترکیبی در ذات خویش ندارد (وحدت حقیقه‌ی حقه)، برای هر کس میسر نیست. ما معمولاً «یک» را در مثال‌هایی همچون یک سیب، یک درخت، یک مداد و... می‌فهمیم در حالی که این یکی است که با آن عدد حاصل می‌شود و خدا یکی است که اصلاً دویی با آن فرض نمی‌شود.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- درک موجودی که اصلاً دویی برای آن فرض نمی‌شود، امری مشکل است. عرفا و فلاسفه به تنهایی و بدون کمک قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام نمی‌توانستند به حقیقت این مفاهیم دست یابند. بله البته عرفا و فلاسفه تلاش کرده‌اند که این مفاهیم را در حد فهم خودشان توضیح دهند، ولی اینطور نبوده که اینها دستاوردهای بشری محض باشد و عقل بشر به تنهایی به آنها رسیده باشد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- غیر از حوزه‌ی اندیشه، قرآن در زمینه‌ی علوم طبیعی نیز که هر چند گاهی بعد تازه‌ای از آن توسط بشر کشف می‌شود، اطلاعاتی داده است. کتب متعددی در این زمینه و برای بیان ابعاد مختلف علوم قرآنی توسط محققان و نویسندگان ما به رشته‌ی تحریر درآمده یا در دست تألیف است. به عنوان نمونه کتابی است که دکتر گلشنی در مورد طبیعت و قرآن نوشته‌اند.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- جا دارد برای روشن تر شدن این مطلب به یک تحقیق علمی که با استناد به بعضی آیات قرآن صورت گرفته است، اشاره‌ای کنیم. دکتر اصفهانی که در دانشگاه علوم پزشکی ایران فعالیت دارد و متخصص تغذیه است، در یک محفل دوستانه، دستاوردهای جدید علمی خویش را با کمک آیات قرآن چنین شرح داد:

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- وقتی داستان اصحاب کهف را در قرآن می خواندم، این سؤال در ذهنم ایجاد شد که چرا خداوند می فرماید: وقتی اصحاب کهف به خواب رفتند، ما به گوششان می زدیم؟ گوش چه ارتباطی با خواب دارد؟

- الکهف:

- **إِذْ أَوْىءَ الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا (۱۰) فَضَرْبَنَا عَلَىٰ أُذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا (۱۱) ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا (۱۲)**

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- در پی این سؤال به تحقیق پرداختیم. نتیجه‌ی این تحقیقات که در چند کنگره‌ی بین المللی هم به عنوان تحقیق جدید ثبت گردید، این بود:
- در گوش انسان چند نقطه وجود دارد که با ضربه‌ی به آنها، یا تحریک آنها و یا عبور جریان ضعیفی از برق در آنها، انسان به خواب می‌رود.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

• وی در باره‌ی تغذیه و داده‌های قرآنی در این زمینه می‌گوید: قرآن در مورد گوشت ماهی تعبیر «لحماً طریاً» را به کار برده که این تعبیر در مورد سایر گوشت‌ها نیست.

• النحل: ۱۴ وَ هُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفَلَكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

• فاطر: ۱۲ وَ مَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ مِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَ تَرَى الْفَلَكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- تحقیقات امروزی نشان می‌دهد که بین گوشت سفید و گوشت قرمز تفاوت‌هایی وجود دارد. گوشت سفید حتماً باید تازه مصرف شود؛ در حالی که گوشت قرمز برای سهل الهضم شدن به زمان بیشتری نیاز دارد. زنجیره‌های مولکولی در گوشت‌های قرمز باید شکسته شود تا هضم آنها آسان گردد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- غیر از زمینه‌ی تغذیه و بهداشت، قرآن در نجوم، ساختمان ماده، مسایل مربوط به طبیعیات و... نیز اشاراتی دارد که هیچ کدام از اینها نمی‌توانسته کار بشری باشد. برخی از این اطلاعات هنوز برای بشر معلوم نیست و ممکن است در آینده به کشف آنها نایل آید.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که مجموعه داده‌های علمی قرآن حتی با اطلاعاتی که در روزگار نزول قرآن در بالاترین سطح معارف بشری مطرح بوده، بسیار متفاوت است. بسیاری از اطلاعات قرآنی در روزگار متأخر کشف شده و به دست آمده‌اند و تا سال‌ها پس از نزول قرآن ناشناخته مانده بودند.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- اگر خصوصیت آورنده‌ی قرآن، یعنی شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در نظر نگیریم و به بُعد اعجاز قرآن از جهت آورنده‌ی آن توجه نکنیم، بالاترین دانشمندان آن زمان نیز نمی‌توانستند با تحقیقات و مطالعات بشری به این اطلاعات دست یابند؛ چه رسد به خود پیامبر صلی الله علیه و آله که در یک محیط تقریباً خالی از دانش، محیطی که به لحاظ فرهنگی بسیار پایین‌تر از سطح متعارف زمان خودش بوده، به پیامبری مبعوث شده است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- «لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» [اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند] (نساء، ۸۲).
- یکی از مواردی که می‌توان به عنوان نمونه در اینجا ذکر نمود، نظر علامه‌ی حلی در کتاب‌های مختلف او است. خود علامه در مختلف الشیعه در طرح یک مسأله، پنج رأی را مطرح می‌کند که چهارتای آنها رأی خود او در کتاب‌های دیگر وی و رأی پنجم، رأی مختار او در کتاب مختلف است. در واقع او پنج بار در مورد آن مسأله فتواهای مختلفی ارائه کرده است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- شایان ذکر است که فتوا دهنده (مفتی) جاعل حکم نیست؛ او فقط کاشف حکم است. بنابراین اگر در مسأله‌ای رأی او تغییر کند، معنایش این است که رأی قبلی وی، لاقابل در نظر خود او اشتباه بوده است.
- البته آنچه برای امامان معصوم علیهم السلام حاصل می‌شود، نیز مرتبه‌ای از وحی است. با مراجعه به قرآن واضح می‌شود که وحی یک عرض عریضی دارد. آن وحی‌ای که مخصوص انبیای الهی است، وحی نبوی نام دارد و نوعاً کلمه‌ی وحی حقیقت در همین معنا است. اما مراتب دیگر وحی برای غیر پیامبر و حتی غیر معصومان نیز حاصل است (ر.ک: مهدی هادوی تهرانی، وحی شهود غیب).
- حکایت زیر نمونه‌ای از این موارد است. حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای که بعد از جریان نهروان برای مردم ایراد فرمودند، دایماً در بین سخنان خویش عبارت سلونی قبل ان تقفونی [قبل از این که مرا از دست دهید، هر چه می‌خواهید از من بپرسید] را تکرار می‌نمود. مردم به سئوالات متعدد از حضرت پرداختند. از جمله سعد بن ابی وقاص از حضرت پرسید: تعداد موهای سر و ریش من چقدر است؟ حضرت در آنجا تعبیری دارند که گویا می‌خواهند بگویند: جواب این سؤال هر چند برای من ممکن است، اما من از چیزهای دیگری که اهمیت دارند، با خبر هستم و در همانجا از کشته شدن فرزندان ابا عبد الله الحسین علیه السلام به دست یکی از افراد خانواده‌ی سعد بن ابی وقاص خبر می‌دهند (ر.ک، سید صادق موسوی، تمام نهج البلاغه، خطبه ۲۶، ص ۲۸۵).
- اگر عصمت در علم و عمل باشد؛ مثل آنچه در مورد شخص پیامبر و دختر گرامی‌شان و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، صادق است، معنای عصمت این است که شخص نه تنها در عمل، خطا و نسیان ندارد، بلکه در مقام نظر و علم و به لحاظ معرفت هم اشتباه نمی‌کند. اما گاه عصمت فقط عملی است. مثل کسی که گناه نمی‌کند و میلی به آن ندارد. نمونه‌هایی از عصمت در عمل در میان بزرگان ما وجود داشته و دارد. نقل می‌کنند سید مرتضی و سید رضی در این که کدام یک امام جماعت شوند، بحث می‌کردند. یکی از آنها خطاب به دیگری فرمود: شخصی باید امامت جماعت را بپذیرد که در عمر خویش گناه نکرده است و مقصود وی، خودش بود که اصلاً در عمر خویش مرتکب گناه نشده بود. در مقابل دیگری نیز فرمود: کسی باید این وظیفه را برعهده بگیرد که فکر گناه هم نکرده است و مقصودش، خودش بود که در عمر خویش به فکر گناه نیفتاده بود. این داستان به خوبی نشان می‌دهد که یک نفر می‌تواند در عمر خود اصلاً در فکر گناه نباشد. در بین معاصران نیز آقای بهاء الدینی می‌فرمود: ما میل به گناه نداریم. یعنی انسان می‌تواند به جایی برسد که با در کنترل گرفتن تمایلات طبیعی خویش، میل به گناه نداشته باشد. بنابراین عصمت عملی برای غیر معصومان علیهم السلام نیز ممکن است اما امکان عصمت علمی جای بحث است؛ آیا غیر معصومان علیهم السلام می‌توانند در معارف به جایی برسند که همه‌ی نظرات و اندیشه‌هایشان مطابق با واقع باشد و خطا نکنند؟ این مطلب چیزی است که چندان در بحث ما اهمیتی ندارد. آنچه حایز اهمیت است اصل وجود مرتبه‌ای از عصمت می‌باشد که موجب بروز بعضی احوال مثل اخبار از غیب می‌گردد.
- جا دارد اشاره کنیم که بسیاری از اوقات ندانستن آنچه در آینده به وقوع می‌پیوندد، به نفع خود انسان است. چه بسا علم به آینده، کل زندگی انسان را مختل سازد. در حقیقت کسانی که از غیب یا اطلاعند، ظرفیت اطلاع از آن را نیز دارند. مثلاً بسیار اتفاق افتاده است اهل بیت علیهم السلام با افرادی که می‌دانستند بعدها به آنها ظلم خواهند کرد، رویه‌رو شده و یا حتی با آنها زندگی کرده‌اند، اما هرگز به روی آنها نیاورده‌اند؛ مگر به دلیل مصلحتی که اقتضای آن را داشته است. بنای آنها بر هویدا نمودن اسرار نبود. انقدر عادی زندگی می‌کردند که انسان‌های اطرافشان، غیر همان ظاهر از رفتار آنها نمی‌دیدند. به اصطلاح، اهل ادا در آوردن نبودند. نمونه‌هایی از رفتار آنها در بین بزرگان ما نیز وجود داشته و دارد. آقای بهاء الدینی نود سال در بین مردم زندگی کرد؛ ولی بقال نزدیک خانه‌ی وی، همسایگان و حتی خانم و بچه‌های ایشان، او را یک انسان عادی می‌دیدند. چه بسا گاه لب به شکایت می‌گشودند که آقا دو ساعت مانده به اذان صبح از خواب برمی‌خیزد و نمی‌گذارد ما بخوابیم یا هر وقت و هر ساعت که بخواهد می‌آید و چیزی می‌خورد و در خوردن خویش نظمی ندارد.
- یادم می‌آید زمانی طلبه‌ای با تعریفی که از حاج آقا بهاء الدینی شنیده بود، مدتی به دیدار ایشان می‌آمد. بعد از مدتی به من گفت: «دیگر نمی‌خواهم پیش ایشان بیایم». البته نیامدن وی نزد آقای بهاء الدینی چندان اهمیتی نداشت، اما پرسیدم: «چرا نمی‌خواهی بیایی». گفت: «ایشان بعد از نماز می‌نشینند و لغو می‌گویند و دایماً از این که کچا بودیم و چه خوردیم و غذاها و میوه‌ها چطور بود، صحبت می‌کند. به او گفتم: «آقا از این چیزها سخن می‌گویند چون می‌داند تو بیشتر از شکمت نمی‌فهمی». اما در واقع اینطور نبود. آقا این مطالب را می‌گفت و در آنها توحید را می‌موخت. ولی خیلی از افراد، حقیقت مطلب وی را نمی‌فهمیدند.
- قرآن به صراحت در آیات متعددی بر این نکته که رسولان و پیامبران همگی بشر هستند، تأکید دارد: «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد» [بگو: من هم مثل شما بشری هستم که به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یگانه است]. یعنی آنی که وحی به او می‌شود، بشری است مثل دیگر انسان‌ها. از این رو، همواره ائمه‌ی اطهار علیهم السلام کسانی را که در مورد آنها غلو می‌کردند و آنها را از حد بشر خارج می‌نمودند، مورد سرزنش قرار می‌دادند و می‌فرمودند: «ظلمی که غلات (غلو کنندگان) در حق ما کردند، نواصب نکردند». زیرا گفتار و عمل غلات باعث می‌شد، تصور پیروان اهل بیت علیهم السلام از آنها، تصویری نادرست باشد؛ اما نواصب چون به شخصیت ائمه علیهم السلام توهین می‌کردند، چندان تأثیری بر پیروان نمی‌گذاردند. رفتار سوء غلات، الگو بودن اهل بیت علیهم السلام را خدشه دار می‌کرد و اثر آن متوجه پیروان آنها می‌شد. عمل غلات همواره این شک را در دل‌ها ایجاد میکرد که اهل بیت علیهم السلام ما فوق بشرند و آنچه انجام می‌دهند از قدرت انسان عادی خارج است. به همین جهت هیچ گاه نمی‌توانند الگو و سرمشق دیگران قرار گیرند.
- آنچه بیان شد، در درک مفهومی توحید است، درک مصداقی توحید و به عبارت دیگر علم حضوری آن به مراتب مشکل‌تر است.
- رئیس دانشگاه صنعتی شریف و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- - عدم ابطال مطالب قرآن:
- امروزه علم بسیار پیشرفت کرده، اطلاعات و دانش بشر افزایش یافته و بسیاری از اطلاعات کهن بشری تخطئه شده است؛ اما در عین حال مطلبی در قرآن نمی‌یابیم که به طور قطع و یقین جزو امور باطل باشد و بشر آن را تخطئه کرده باشد.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- بسیار اتفاق افتاده و می‌افتد که در دوره‌ای یک نظریه علمی مورد پذیرش قرار می‌گیرد و پس از مدتی خلاف آن ثابت می‌گردد. مثلاً پذیرش مرکزیت زمین در عالم و گشتن خورشید به دور زمین از اعتقادات و باورهای نجومی قدیم بود که امروزه منجمان به خلاف آن اعتقاد دارند و آن نظریه را باطل می‌دانند. یا گاه و بی‌گاه در مورد آثار سوء یک ماده‌ی غذایی، مطالبی ابراز می‌شود و بعد از مدتی تحقیقات دیگر، بیانگر نداشتن آثار سوء و بلکه مفید بودن همان ماده‌ی غذایی است.

ب. اعجاز محتوایی قرآن

- بدین ترتیب بشر دائماً اطلاعات گذشته‌ی خویش را باطل می‌کند. اما اطلاعات موجود در قرآن نه تنها تا کنون باطل نشده‌اند؛ بلکه همان گونه که در قبل نیز اشاره کردیم هرجا و در هر شاخه‌ای از علوم که قرآن و اطلاعات موجود در آن منشأ پیدایش سؤالی شده، تحقیقی بر اساس آن سامان گرفته است و نهایتاً نتیجه‌ی تحقیقات به این منتهی شده که مطلب قرآنی کاملاً علمی و مطابق با واقع است.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- وقتی به فضای فرهنگی جزیره العرب در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نگریم، می‌بینیم سطح عمومی مردم بسیار پایین است. اکثریت قریب به اتفاق مردم از سواد بی-بهره‌اند و خواندن و نوشتن نمی‌دانند. مراکز علمی، دانشگاهی، مرکز تحقیقات و... وجود ندارد. یک فرهنگ بسیار ابتدایی بر آن سرزمین حاکم است؛ یک فضای کاملاً بدوی.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- تمدن‌های بزرگی چون ایران و روم در آن زمان، با این که سعی در توسعه‌ی قدرت خویش داشتند؛ هیچ انگیزه‌ای برای دست‌یابی به سرزمین عربستان در خود نمی‌دیدند. نه نفت کشف شده بود تا بدانند که این سرزمین بر چه گنجی نشسته است و نه چیز دیگر که شاهان و قدرتمندان‌شان را به سلطه بر آن سرزمین تشویق نماید. عربستان، تقریباً از فضای فرهنگی معاصر خویش جدا بود.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- در چنین فضایی شخصیتی به پیامبری مبعوث شد. داستان زندگی اش معلوم بود. او حتی در خود جزیره العرب درسی نخوانده و فاقد اطلاعات و سواد به ظاهر بشری همان زمان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله با این خصوصیات، آورندهی کتابی با آن خصوصیات (قرآن) بود. این که یک فرد امی در آن فضای فرهنگی، آورندهی کتابی با این ویژگی‌ها باشد، نشان دهندهی وحیانی و الهی بودن کتاب است.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- برخی مستشرقان ادعا کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله با سواد بوده و امی بودن به معنای بی‌سواد بودن نیست. در نظر آنان پیامبر با علمای ادیان ارتباط داشته و در نزد آنان چیزهایی را خوانده بوده است. بنابراین قرآن را نیز با اطلاعاتی که از آنها کسب کرده، سرهم بافته و ساخته است.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- اما با اسناد و مدارک فراوانی که در مورد زندگی پیامبر وجود دارد، عدم صحت چنین ادعایی ثابت می‌شود. از یک سو در آن دوران مراکز علمی وجود نداشت و از سوی دیگر عالمان ادیان گذشته که در آن سامان می‌زیستند، هیچ کدام از علمای برجسته‌ی دوران خود نبودند. درست است که جمعی یهودی در مدینه زندگی می‌کردند و تعدادی نصاری در منطقه‌ی جزیره العرب بودند، اما اصلاً اینطور نبود که جزیره العرب یکی از مراکز مهم یهود و نصاری باشد و عالمان برجسته‌ای در خود داشته باشد.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- از طرف دیگر برخی از اطلاعات و داده‌های قرآنی با آنچه در انجیل و تورات آمده، کاملاً متفاوت و در واقع بیانگر موارد تحریف آن کتب است. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله مطالب را از آنها گرفته بود، لااقل باید در قسمت‌های مشترک عیناً همان مطالب را تکرار می‌کردند.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- یک کاردینال مسیحی که به اسلام گرویده است، در مقدمه‌ی کتاب خویش می‌گوید: آیات انجیل و تورات که تحریف شده‌اند، بر اساس اسناد خود دین مسیح و دین یهود قابل کشف نیستند؛ اما اگر به قرآن مراجعه کنیم، می‌توانیم موارد تحریف در آن آیات را بیابیم. وی در همین کتاب، خیلی زیبا و فنی آیات تورات و انجیل را با آیات قرآن مقایسه می‌کند و موارد تحریف آیات آن دو کتاب مقدس را نسبت به پیامبر خاتم نشان می‌دهد.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- اگر منبع پیامبر، علم علمای نصاری و یهود زمان خویش بود، می‌بایست اطلاعاتش بسیار ناقص باشد. زیرا از یک سو این عالمان بر اساس حوادثی که در تاریخ دینشان اتفاق افتاده از دانش تحریف شده‌ای برخوردار بودند و از سوی دیگر آن منطقه از جهان، عالمان برجسته‌ای را در خود نداشت. حال آن که آنچه در قرآن آمده، حتی در ناحیه‌ی مشترک با یهود و نصاری بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر از داده‌های انجیل و تورات است. اضافه بر آن، مطالب فراوانی در قرآن وجود دارد که اصلاً در انجیل و تورات (آنچه از آن دو کتاب موجود است) نیست.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- شایان ذکر است که وقتی ادیان الهی را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم، به وجود تشابه‌هایی بین آنان پی می‌بریم. دلیل آن هم، سرچشمه گرفتن آنها از یک منبع واحد بوده است. همه‌ی ادیان الهی برای بیان یک حقیقت آمده‌اند. البته در بیان آن حقیقت واحد یکسان نبودند و به دلیل مراتب مختلفی که بین آنها وجود دارد، هر یک به قسمتی از آن حقیقت پرداخته‌اند. ادیان تحریف شده، به میزان تحریفی که در آنها رخ داده، از حقیقت خود دور شدند و در نتیجه با هم تفاوت پیدا کردند، همان گونه که بین آنها و دین اسلام (دین حق) نیز تفاوت‌های فراوانی وجود دارد.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- در این میان وجود دو امر و دو رویداد در آیین مسیحی، موجب بروز تحریفی شدیدتر در این آیین شد. در آیین مسیح از یک سو، شریعت به طور کلی مورد انکار قرار گرفت و از سوی دیگر پیامبر آن (عیسی علیه السلام) خود خدا معرفی شد، خدایی که تجسد پیدا کرد و به زمین آمد.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- این در حالی است که در آیین یهود، موسی علیه السلام همچنان پیامبر است و یهودیان همچون مسلمانان در کنار اخلاق و الهیات (اعتقادات)، معتقد به شریعت هستند؛ اگر چه در شریعت آنها، احکام تحریف شدهی فراوانی وجود دارد که قرآن به برخی از آنها اشاره می‌کند. با این وصف زبان و احکام اسلام به یهودیت شباهت بیشتری دارد تا مسیحیت. با توجه به آنچه بیان شد، معلوم می‌گردد:

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- اولاً: داستان درس خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله نزد علمای یهود و نصاری با اسناد و مدارک موجود ناسازگار است. شواهد تاریخی بیانگر این است که دانش و علم پیامبر به قدرت الهی بود، نه به آموزش‌های بشری.
- ثانیاً: در مقایسه‌ی قرآن با انجیل و توراتی که در اختیار آن علما بوده، معلوم می‌گردد که در بخش‌های مشترک، قرآن بسیار دقیق‌تر و عمیق‌تر به بیان مطالب پرداخته است.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- ثالثاً: میزان اطلاعات موجود در انجیل و قرآن بسیار کمتر از داده‌های قرآنی است و خود این، دلیل محکمی بر عدم نشأت گرفتن علم پیامبر صلی الله علیه و آله از علم علمای یهود و نصاری می‌باشد.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- اما این مطلب که آیا پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از بعثت از علم الهی برخوردار بوده یا خیر و یا اصولاً پیامبر قبل از بعثت به چه دینی پای-بند بوده است، یک بحث کلامی دیگر می باشد که چندان به بحث ما نیز مرتبط نیست.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورندهی آن

- برخی بر این اعتقادند که پیامبر قبل از بعثت بر آیین حق مسیحی (آیین تحریف نشدهی مسیحی) که قبل از اسلام اعتبار داشت، بوده است.
- برخی دیگر پیامبر را بر آیین حضرت ابراهیم علیه السلام می دانند

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- و برخی دیگر معتقدند پیامبر از ابتدا با اسلام آشنا و حقایق آن را از همان موقع درک کرده بوده است؛ هر چند مأموریت پیامبری‌اش در سن چهل سالگی می‌باشد. زیرا بحث مبعوث شدن و رسالت از بحث نبوت جدا است. نبوت پیامبر در چهل سالگی نبوده، رسالت او و مأموریت او در این سن اتفاق افتاده است. از این رو، پیامبر قبل از بعثت به غار حرا می‌رفته، با خداوند به مناجات و عبادت می‌پرداخته و به اصطلاح آن ارتباط معنوی، قبل از بعثت هم برای وی فراهم بوده است.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد این است که اگر حتی بپذیریم پیامبر قبل از رسالت (یعنی قبل از چهل سالگی و قبل از بعثت)، نبوت را داشته و از اسلام بهره‌مند بوده، حتماً از مراتبی از وحی و علم الهی برخوردار بوده است؛ ولی هرگز این سخن به معنای درس خوانده بودن پیامبر نیست.

ج. اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن

- این کاردینال مسیحی که حدود صد سال پیش در منطقه‌ی ارومیه‌ی ایران (یکی از مناطق مهم مسیحی) از طرف کلیسای کاتولیک مأمور بوده و بعدها مسلمان می‌شود، در مجله‌ای به نام اندیشه‌ی اسلامی که به زبان انگلیسی منتشر می‌کند، اقدام به نوشتن مقالاتی در زمینه‌ی تحریف تورات و انجیل می‌نماید. بخشی از این مقالات در یک کتابی تحت عنوان سیمای محمد صلی الله علیه و آله به زبان فارسی ترجمه شده است.
- رجوع کنید: همین نوشتار، دین نفس الامری و دین مرسل.
- در یکی دو سال اخیر که مسأله‌ی اسلام در سطح جهان جدی‌تر شده، دو جریان بسیار قوی با هدفی یکسان، به بیان مطالبی می‌پردازند که بسیاری از آنها با حقایق اسلام سازگار نیست و شکل خاصی از اسلام است. یکی از این دو جریان به اسم مخالفت با اسلام و دیگری به اسم حمایت از اسلام عمل می‌کند. چه بسا بسیاری از افراد مسلمان در مواجهه با جریان دوم، از این که اسلام مورد تمجید قرار می‌گیرد، خوشحال شوند و آن را ترویج اسلام قلمداد نمایند؛ در حالی که آنها هدفی جز وارونه جلوه دادن اسلام ندارند. آنها در اندیشه‌ی نابود کردن اسلام با استفاده از تفسیرهای نادرست از آن هستند. در هر حال برخی از بحث‌هایی که توسط این دو جریان صورت گرفته بیان شباهت‌های اسلام با آیین یهودیت است. بدون شک از آنجا که منبع هر دو دین (اسلام و یهودیت) واحد می‌باشد، شباهت‌های فراوانی بین این دو آیین (به خصوص در ناحیه‌ی احکام) وجود دارد؛ اما این که چه اهدافی در طرح این بحث‌ها دنبال می‌شود، مطلبی است که هوشیاری مسلمانان را می‌طلبد.
- حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی قاصعه‌ی نهج البلاغه به این مطلب اشاره می‌نمایند.

انتخاب جزیره العرب

- انتخاب جزیره العرب با این خصوصیات و ویژگی‌ها برای نزول دیانت خاتم، یکی از حکمت‌های الهی است تا بتواند الهی بودن این جریان را اثبات کند.
- اگر یک فرد منصفی، داستان زندگی پیامبر را مطالعه نماید و ادعای پیامبر در آن موقعیت را مورد بررسی قرار دهد، می‌فهمد که اسلام دین حق است و پیامبر، پیامبری راستین. در صورت عدم حقانیت اسلام و باطل بودن ادعای پیامبر، این دین می‌بایست از همان ابتدا نابود می‌شد و گسترش نمی‌یافت.

انتخاب جزیره العرب

- نحوه‌ی عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله، همه و حتی مخالفان این آیین را به تعجب و اطمینان می‌داد که چطور یک چنین شخصیتی بدون هیچ پشتوانه‌ی مالی و بدون بهره‌گیری از قدرت قدرتمندان، در چنین نقطه‌ای با آن خصوصیات اقلیمی و فرهنگی، ادعایی را مطرح کرد و توانست این ادعا را گسترش دهد و پیروانی در سراسر جهان پیدا کند.

انتخاب جزیرة العرب

- تمامی آنها که به نحوی با تاریخ اسلام، آشنایی دارند، چه آنها که به مطالعه در این زمینه پرداخته‌اند و چه آنها که فقط با گوشه‌هایی از آن برخورد کرده‌اند، و حتی مخالفان پیامبر که پیامبری او را قبول ندارند و ادعاهای وی را ساخته و پرداخته‌ی شخص او می‌دانند، همه و همه در مقابل این رخداد تاریخی متعجب می‌شوند و این از حکمت‌های الهی و در واقع نکته‌ای از نکات اعجاز اسلام است.

انتخاب جزیره العرب

- شهید مطهری می گوید: ما وقتی به تاریخ اسلام مراجعه می کنیم، در می یابیم بعد از ظهور اسلام در این سرزمین خالی از فرهنگ و علم، ناگهان علم شروع به شکوفا شدن می کند و با محوریت قرآن، علوم شکل می گیرند. تمام علوم ادبی اعم از صرف و نحو و بلاغت گرفته تا علم قرائت و بعد علوم مختلف دیگر مثل فقه و کلام با محوریت قرآن آغاز می شود و در چند سدهی بعد از آن، اسلام پرچمدار تمدن بشری می گردد. در دوران تاریخ طلایی اسلام، شاهد برجسته ترین عالمان مسلمان در سرزمین های اسلامی و پیشرفت علم هستیم که در جنگ های صلیبی به اروپا انتقال یافت. در واقع منشأ شکوفایی علم در غرب، دانشمندان مسلمان بودند.

انتخاب جزیرة العرب

- همین نکته که اسلام توانسته در یک سرزمین بدون علم، و در مجموعه‌ای از مردم بدون فرهنگ (که حتی از علم روزگار خویش نیز چندان بهره‌ای نداشتند)، چنین تکامل و جنبشی را ایجاد نماید، نشانگر حقانیت این دین و الهی بودن آن است. این مطلب بیان می‌کند که اسلام منشأیی غیر بشری دارد و ساخته و بافته‌ی ذهن و نبوغ پیامبر نبوده است.
- این واقعیت، مطلبی است که تا صد سال پیش، به شدت مورد انکار غرب قرار می‌گرفت. اما اخیراً به درستی آن اذعان دارند و بیان می‌کنند که روزی پرچم علم در دست مسلمانان بود و امروز در دست ما است.

میزان دلالت وجوه اعجاز بر وحيانی بودن قرآن

- بعد از بیان وجوه اعجاز، لازم است بدانیم هر یک از این وجوه، تا چه میزان می‌تواند وحيانی بودن قرآن را اثبات نماید.
- اعجاز لفظی قرآن نه تنها بر وحيانی بودن قرآن به لحاظ محتوایی دلالت دارد، بلکه اثبات می‌کند که قرآن به لحاظ الفاظ و عبارات نیز وحيانی است. بر اساس این وجه مفردات قرآن آیات و مجموعه آیاتی که با هم نازل شده و با یکدیگر ارتباط معنایی دارند همگی وحيانی خواهند بود.

میزان دلالت وجوه اعجاز بر وحیانی بودن قرآن

- دو وجه دیگر اعجاز یعنی اعجاز محتوایی قرآن و اعجاز به لحاظ آورنده‌ی آن (که بیشتر باز به محتوا نظر دارد)، یقیناً وحیانی بودن محتوای قرآن را ثابت می‌کنند.
- اما آیا می‌توان این وجوه را به گونه‌ای تکمیل نمود که با آنها وحیانی بودن الفاظ قرآن را نیز ثابت کرد؟ مسلماً ما در ابتداء نمی‌توانیم با این وجوه به اثبات وحیانی بودن الفاظ قرآن پردازیم.

میزان دلالت وجوه اعجاز بر و حیانی بودن قرآن

- اما به دقت در خصوصیات فردی خود پیامبر صلی الله علیه و آله و خصوصیات اجتماع و فضایی که در آنجا زندگی نموده است، در می یابیم نه تنها پیامبر نمی توانسته محتوای قرآن را خودش بسازد؛ بلکه نمی توانسته الفاظ را نیز از خودش آورده باشد.
- آن مقدار اطلاعات پیامبر صلی الله علیه و آله، توان خلق یک چنین محتوای عظیم با چنان الفاظی را نداشته است.
- تفاوت الفاظ و تراکیب و سخنان نبوی (حتی روایات قدسی) با تراکیب و عبارات قرآنی، خود شاهد دیگری بر اثبات این مدعا است.

میزان دلالت وجوه اعجاز بر وحيانی بودن قرآن

- بدین ترتیب به نظر می‌رسد با کمک خصوصیات فردی پیامبر و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی آن زمان می‌توانیم با استناد به اعجاز قرآن به لحاظ آورنده‌ی آن، وحيانی بودن الفاظ قرآن را ثابت کنیم.
- ولی وقتی خوب دقت می‌کنیم، می‌فهمیم این وجه با این مقدمه نهایتاً به وجه اعجاز لفظی قرآن بازگشت می‌کند. زیرا حاصل آن، عدم توانایی بشر در ساختن این نوع ترکیبات و عبارات است که در اعجاز لفظی قرآن مطرح می‌شود.

میزان دلالت وجوه اعجاز بر وحيانی بودن قرآن

- با این وصف مهم-ترین وجه از وجوه اعجاز قرآن که وحيانی بودن الفاظ قرآن را نیز ثابت می‌کند، وجه اعجاز لفظی قرآن است. و شاید علت توجه علمای گذشته به اعجاز لفظی و تأکید آنها بر این وجه، همین مطلب بوده است که اعجاز لفظی قرآن بیشترین سطح دلالت را بر وحيانی بودن قرآن در پی دارد.